

ژان شوالیه آلن گِربران

# فرهنگ نمادها

اساطیر، رؤیاها، رسوم، ایماء و اشاره، اشکال و قوالب،  
چهره‌ها، رنگها، اعداد

جلد سوم

از حرف «ح» تا «س»

ترجمه و تحقیق

سودابه فضایی



انتشارات بیمون

# ح

## حباب (BULLE/bulb)

حبابِ هوا یا حبابِ صابون، نماد مخلوقی است سبک، کم‌دوام و رایگان که ناگهان می‌ترکد، بدون اینکه اثری باقی بگذارد؛ ویکتور هوگو می‌نویسد: این حباب لاجوردی که بازدم من آن را بزرگ می‌کند، که چیزی نیست جز محدوده‌ی مشخص دلبخواه و ناپایداری از هوا. در همین چشم‌انداز، آیین بودا از حباب، تصویر آنیتیه را به دست می‌دهد که بی‌دوامی دنیای ظاهر را می‌سازد. در دهمه‌پده آمده: کسی که به دنیا بدان‌گونه می‌نگرد که گویی حباب هوا را می‌نگرد، آن کس است که قادر است از قلمرو مرگ فرابگذرد و آن را نبیند. یک چنین سوتره‌یی پدیده‌ی حیات را با یک رؤیا، یا یک تصویر

با توجه به قدرت بدنیش، یونگ، او را نماد جنبه‌ی خطرناک ناخودآگاه به شمار می‌آورد.

در معابد زیرزمینی (کیوا) سرخپوستان پوئبلو، یک اجاق آیینی به نام خرس وجود دارد، زیرا به عقیده‌ی آنان، این حیوان در ارتباط با نیروهای زیرزمینی است (LEHC).

یاکوتهای سیبری عقیده دارند خرس همه چیز را می‌شنود، همه چیز را به خاطر می‌سپرد و هیچ چیز را فراموش نمی‌کند. تاتارهای آلتایی عقیده دارند که خرس از طریق زمین می‌شنود. سویوتها می‌گویند: زمین گوش خرس است: اغلب صیادان سیبری هنگام صحبت از خرس از القابی چون پیرمرد، پیرسیاه، و رییس جنگل استفاده می‌کنند (HARA, 281 sq.). و گاهی اوقات القاب خویشاوندی چون پدر بزرگ، عموی بزرگ، مادر بزرگ و غیره را به کار می‌برند. بخشهایی از بدن خرس، مثل پاها، چنگالها، دندانها به عنوان تعویذهای حفاظت‌کننده استفاده می‌شود. تونگوزها، چورها و تاتارهای مینوسینک پای خرس را کنار در خانه یا چادرشان وصل می‌کنند تا ارواح خبیث دفع شوند. یاکوتها برای حفظ نوزادان، پای خرس را در گهواره‌ی کودک می‌گذارند. تله‌توتها عقیده دارند که روح درها، با لباسی از پوست خرس ظاهر می‌شوند. چنگال خرس درمانبخش است: چورها عقیده دارند که چنگال خرس اسهال احشام را مداوا می‌کند. تاتارهای آلتایی عقیده دارند که چنگال خرس از سردرد جلوگیری می‌کند. و بالاخره بسیاری از اقوام آلتایی در سوگندهای خود خرس را شاهد می‌گیرند؛ یاکوتها روی مجسمه‌ی خرسی می‌نشینند و قسم می‌خورند؛ تونگوزها در حالی که پشم خرس را می‌جوئند می‌گویند: اگر من خطاکار باشم، خرس مرا پاره کند و غیره. و در سوی دیگر کلبه، در تاریکی شب خرسها با عقل دنیایی و دانش پزشکی‌شان حضور دارند (ALEC, 44).